

ظهر و بطن قرآن کریم

دکتر ابراهیم کلانتری*

چکیده

نوشتار حاضر که تحت عنوان «ظهر و بطن قرآن کریم» سامان یافته، گذری بر موضوع مذکور است که در آن تلاش شده است افزون بر تبیین مسأله ظهر و بطن و نقش آن در جاودانگی قرآن. ادلة روایی آن، دیدگاه اندیشه‌وران قرآنی درباره آن و همچنین ضوابط راهیابی درست به بطون قرآن به اختصار بحث شود. برخی از پرسش‌های اساسی نیز که با طرح مسأله ظهر و بطن، ممکن است بر ذهن خواننده گرامی سنگینی کند، مورد توجه نگارنده قرار گرفته و پاسخ‌های درخوری به آن‌ها داده شده است. نگارنده، همزمان با تبیین موضوع محل بحث، بر این نکته تأکید می‌ورزد که اصلی‌ترین رمز ماندگاری قرآن در بستر متحول زمان، بطون و ژرفای بی پایان این کتاب آسمانی است که سبب می‌شود قرآن، در عین «ثبات» و «محدودیت» ظاهری، تحرک و دینامیسم درونی و عمق پایان ناپذیری نیز داشته باشد و تا پایان عمر دنیا بر نیازهای معرفتی و معیشتی آدمیان پرتو افکند.

درآمد

قرآن کریم و مباحث مرتبط با آن، از آغاز تاکنون، همواره بخش بزرگی از پژوهش‌های دینی را به خود اختصاص داده است. پژوهش‌های قرآنی را در یک نگاه کلی می‌توان در دو گروه ذیل قرار داد: گروه اول: پژوهش‌هایی که بیان و شرح معارف مفاهیم و آموزه‌های موجود در قرآن را به گونه‌ای مستقیم و جهت‌همّت خود ساخته و در نتیجه، فهم و شناخت صحیح قرآن را برای آدمیان در عصرها و نسل‌های گوناگون فراهم آورده‌اند. (تفسیر قرآن)

گروه دوم: پژوهش‌هایی که به طرح و بحث و اثبات موضوعات و مسائل جانبی و مرتبط با

* عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء.

تاریخ دریافت: ۸۲/۳/۲۷ تاریخ تأیید: ۸۲/۶/۳

وحی و قرآن پرداخته، در نتیجه، زمینه‌ رهایی آگاهانه به عرصه شناخت معارف و آموزه‌های قرآنی را فراهم می‌سازند. (علوم قرآنی).

شکی نیست که پژوهش‌های نوع دوم تأثیر مهم و انکارناپذیری بر پژوهش‌های نوع اول برجای می‌گذارند تا آن‌جا که با اطمینان می‌توان ادعا کرد بدون پژوهش‌های نوع دوم، پژوهش‌های نوع اول هرگز نمی‌توانند به مقصد و مقصود نهایی خود که چیزی جز فهم و شناخت صحیح معارف قرآن نیست، دست یابند.

همین رابطه مهم و حیاتی میان دو گروه از پژوهش‌های قرآنی، سبب شده است تا اندیشه‌وران بزرگی همچون طبری، راغب اصفهانی، طبرسی، بلاغی و دیگران، در طلیعه تفسیر خود برقرآن، به اجمال یا تفصیل به تبیین موضوعات و مسائلی که در قلمرو پژوهش‌های نوع دوم قرار دارند، بپردازند؛ گرچه برخی نیز این موضوعات را به صورت مستقل و به تفصیل مورد پژوهش قرار داده‌اند.

موضوع این مقاله، «ظهر و بطن قرآن کریم» از جمله موضوعاتی است که در شمار پژوهش‌های نوع دوم قرار دارد و در اهمیت آن همین بس که اصلی‌ترین راز جاودانگی و ماندگاری قرآن در بستر بسیار متحول زمان را می‌توان در همین موضوع جست. با فرض جاودانه بودن و ابدیت قرآن است که مفسران در گذر عصرها و نسل‌های پی‌درپی، خود را به اجتهاد در قرآن مجاز می‌دانند تا بدین وسیله با به‌دست آوردن مفاهیمی نو از کتاب آسمانی، نیازهای معرفتی و معیشتی آدمیان را متناسب با تحولات زمان در معرض تابش نور وحی قرار دهند. این ابدیت و جاودانگی پیش از هرچیز، در گرو وجود چنین ظرفیتی برای قرآن است که مبحث این نوشتار نشان خواهد داد ژرفای نهفته در ورای ظاهر آیات قرآن (بطون) حقیقتی است که در عصر نزول، مورد توجه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، اهل بیت عصمت علیهم السلام و مؤمنان قرار داشته و در تاریخ بلندی که بر حیات قرآن گذشته نیز هرگز از نگاه تیز بین اندیشه‌وران اسلامی پنهان نمانده است. همچنین در نوشتار حاضر، این مطلب به‌روشنی تبیین خواهد شد که باور به بطون، رویکردی فرقه‌ای یا مذهبی نیست؛ بلکه باوری است که میان همه پژوهشگران قرآنی از هر مذهب و مرامی رواج داشته است.

همین باور عمومی که از اهمیت موضوع نیز حکایت دارد، سبب شده است تا به‌منظور جلوگیری از هرج و مرج در فهم قرآن و ظهور دیدگاه‌های پلورالیستیک در تفسیر آیات، ضوابط دقیقی برای دستیابی صحیح به بطون، تعریف و تنظیم، و بدین وسیله، راه بر کژاندیشی و انحراف در عرصه تفسیر مسدود شود.

در ظهر و بطن به‌گونه‌ای معقول و شفاف به بیان و اثبات آن می‌پردازد.

روش تحقیق در این مقاله، از نوع کتابخانه‌ای است و به منظور انسجام بیش‌تر و پرهیز از اطاله و اختلاط مباحث، حاصل مطالعات تحت عنوان‌های جداگانه در پی می‌آیند.

واژه‌شناسی «ظهر» و «بطن» در لغت و اصطلاح

دو واژه «ظهر» و «بطن» برای آشنایان به زبان‌های عربی و فارسی، تا اندازه‌ای روشن و مفهومند؛ اما به منظور آگاهی از دقت‌ها و ظرافت‌های لغوی و اصطلاحی و همچنین اطمینان از کاربرد عرفی و رایج آن‌ها، مرور بر برخی از کتاب‌های لغت، خالی از لطف نیست.

راغب اصفهانی ذیل واژه «ظهر» می‌گوید:

ظَهْرُ الشَّيْءِ، اصلش آن است که چیزی بر صفحه زمین باشد و پنهان نباشد، و بطن، زمانی به کار می‌رود که چیزی در عمق زمین باشد و مخفی بماند؛ سپس در هر چیز آشکاری که با چشم یا با بصیرت دیده شود، به کار رفته است ... (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶ م، ظهر).

وی ذیل واژه «بطن» نیز می‌گوید:

اصل بطن، عضوی از بدن است که جمع آن بطون است. خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ أَنْتُمْ أَحِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ (نجم، ۳۲): آن‌گاه که شما جنین‌هایی در شکم مادرانتان بودید». وَقَدِ بَطَّنْتُهُ، یعنی به بطن و عمق آن رسیدم. «بطن» ضد «ظهر» است. ... و به هر موضوع پیچیده‌ای «بطن» و به هر موضوع آشکاری «ظهر» گفته می‌شود. ... به آن‌چه با حس درک می‌شود، «ظاهر» و به آن‌چه از حس پنهان است، «باطن» گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶ م، بطن).

ابن منظور در بیان مفهوم لغوی «ظهر» آورده است:

الظَّهْرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ: خِلَافُ الْبَطْنِ (ابن منظور، ۱۹۹۷ م، ظهر).

وی ذیل واژه «بطن» نیز این‌گونه آورده است:

وَالْبَطْنُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ: جَوْفُهُ وَالْجَمْعُ كَالْجَمْعِ (ابن منظور، ۱۹۹۷ میلادی، بطن).

دکتر محمد معین نیز واژه «بطن» و «باطن» را این‌گونه معنا کرده است:

بطن (BATN) در مقابل ظهر است، و جمع آن بطون، ابطن و بَطْنَان است که به معنای شکم، اندرون و پنهان می‌باشد. باطن به معنای پنهان و درون چیزی است که جمع آن بواطن و ابطنه است (معین، ۱۳۶۰، بطن).

برای دو واژه مذکور در اصطلاح مفسران و اندیشه‌وران قرآنی، تعریف‌های متعددی صورت

گرفته که هر کدام نیز به روایاتی در همین باب مستند است. شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق) پس از

نقل این روایت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ (مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَهِيَ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ)، چهار وجه را

به‌قرار ذیل در معنای ظهر و بطن محتمل می‌داند:

۱. مقصود از ظاهر، داستان‌های نابودی امت‌های پیشین و مقصود از باطن، مواعظ و عبرت‌هایی است که از آن داستان‌ها برای دیگران مانده است.

۲. مقصود از ظاهر این است که هیچ آیه‌ای نیست، مگر آن که گروهی طبق آن عمل کرده‌اند و منظور از باطن، این است که اقوام دیگری نیز در عصرها و نسل‌های بعدی طبق آن عمل خواهند کرد. ۳. منظور از ظاهر، لفظ قرآن، و مقصود از باطن، تأویل آن است.

۴. مقصود از ظاهر و باطن این است که شما هرگاه از باطن آیه جست‌وجو، و آن را بر ظاهر آیه قیاس کنید، بر معنای صحیح آیه وقوف می‌یابید (طوسی، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۷۵ م، ج ۱، ص ۹).

شیخ طوسی برای هرکدام از وجوه چهارگانه پیش‌گفته، فائولانی را نیز نام برده است. جلال‌الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق) افزون بر چهار وجه پیشین، دو وجه ذیل را نیز در معنای ظاهر و باطن می‌آورد:

۱. ظاهر قرآن، همان معانی و مفاهیمی است که برای عالمان به علوم ظاهر قابل دسترس است؛ اما باطن قرآن، اسرار نهانی است که خداوند، ارباب حقایق را بدان‌ها آگاه می‌سازد.

۲. ظاهر قرآن، تلاوت آن، و باطن قرآن، فهم و درک آن است (سیوطی، الأتقان، ج ۲، ص ۲۳۶). زرکشی (متوفای ۷۹۴ ق) در بیان معنای ظاهر و باطن، فقط به یک وجه بسنده کرده، و آن همان وجه دومی است که در کلام سیوطی دیده می‌شود (زرکشی، ۱۴۲۱ قمری - ۲۰۰۱ میلادی، ج ۲، ص ۱۷۰).

گرچه وجوه پیشین مرز دقیق و معیار معینی برای ظاهر و باطن به دست می‌دهند، از نتیجه‌گیری و تحلیل آن‌ها سه نکته ذیل به دست می‌آید:

اول: تمایز قطعی میان ظاهر و باطن قرآن کریم؛

دوم: آشکار بودن ظاهر قرآن (برای آشنایان به زبان و لغت عرب) و پنهان بودن باطن آن؛

سوم: ارتباط محکم مفهومی میان ظاهر و باطن قرآن.

با عنایت به این نکات، در تعریف «ظهر» و «بطن» قرآن می‌توان گفت:

«ظهر قرآن»، عبارت از لایه آشکار و معانی ظاهر آیات است؛ یعنی همان لایه‌ای که برای آشنایان به زبان و لغت عرب قابل دسترس است و «بطن»، لایه (یا لایه‌های) پنهان و ناپیدای است آن که آشنایی با زبان و لغت عرب به تنهایی برای نیل به آن کافی نیست؛ بلکه دستیابی به آن، به‌طور ضرور درگرو زرفکاوی، تدبیر و تعقل مستمر در معارف و مفاهیم قرآن و رعایت برخی ضوابط و شرایط دیگر، افزون بر آشنایی با زبان و لغت عرب است.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تعریف «ظهر» و «بطن» می‌گوید:

ظهر، همان معنای ظاهر و ابتدایی است که از آیه به دست می‌آید و بطن معنای نهفته در زیر ظاهر است؛ چه آن معنا یکی باشد یا بیش‌تر؛ نزدیک به معنای ظاهری باشد یا دور از آن (طباطبایی، ج ۳، ص ۷۴). از دقت در سخنان علامه در جای دیگر نیز همین تعریف به دست می‌آید (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۹۱).

استاد محمدهادی معرفت - دام ظلّه - در تعریف «بطن» می‌گوید:

مقصود از بطن آیه، مفهوم گسترده و دامنه‌داری است که در پس پرده ظاهر (یعنی ظاهر که در بند خصوصیات مورد نزول است)، نهفته است که تحت شرایطی این مفهوم وسیع بایستی از بطن آیه استخراج شود (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۹۱).

با دقت در آثار بیش‌تر اندیشه‌ورانی که درباره ظاهر و بطن قرآن نظر داده‌اند نیز می‌توان تعریف پیش‌گفته را به دست آورد.

ظهر و بطن از نگاه قرآن

قرآن، درباره ظاهر و بطن به صراحت سخن نمی‌گوید؛ اما آیات بسیاری است که می‌توان از آن‌ها این موضوع را نتیجه گرفت. آیاتی که همگان را به تدبّر، تعقل و تفکر در قرآن دعوت و توصیه‌آکید کرده‌اند (ص، ۲۹، نساء، ۸۲، محمد، ۲۴، نحل، ۴۴). خود حاکی از وجود لایه‌های ژرف و عمیق نهفته در ورای آیات آن است. تدبّر و اندیشه‌ورزی در مجموعه‌ای از الفاظ و عبارات، در صورتی منطقی و معقول می‌نماید که افزون بر مفاهیم و معارف برآمده از ظاهر الفاظ آن، حقایق ژرف و پنهانی نیز در ورای آن عبارات نهفته باشد تا آدمیان بتوانند با تدبّر و ژرف‌اندیشی، به آن حقایق پنهان راه یابند.

ذهبی، با تمسک به برخی از این آیات، بر «باطن» قرآن استدلال کرده است. وی بر این مطلب تأکید می‌کند که مخاطبان اولیه آیات قرآن، گروهی از اعراب بودند که بدون شک از لغت و زبان عرب آگاهی کامل داشته، و در فهم ظواهر آیات نیز با مشکلی روبه‌رو نبوده‌اند. مشکل اصلی آنان این بود که به مقصود الهی که در ژرفای آیات قرآن نهفته است، توجه نمی‌کردند. خداوند در این آیات آنان را به این حقیقت توجه داده است:

...أَرَادَ بَذَلِكَ أَنَّهُمْ لَا يَفْهَمُونَ عَنِ اللَّهِ مَرَادَهُ مِنَ الْخُطَابِ، وَحَضَّهُمْ عَلَى أَنْ يَتَدَبَّرُوا فِي آيَاتِهِمْ حَتَّى يَفْهَمُوا عَلَى مَقْصُودِ اللَّهِ وَ مَرَادِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْبَاطِنُ الَّذِي جَهَلُوهُ وَلَمْ يَصِلُوا إِلَيْهِ بِمَقُولِهِمْ (ج ۲، ص ۳۵۳).

آلوسی، به منظور اثبات این مطلب که قرآن، افزون بر ظاهر، بطونی دارد که در ورای الفاظ آن نهفته است، به آیاتی که قرآن را تفصیل کل شیء یا جامع علوم معرفی می‌کنند، تمسک کرده، می‌گوید:

... من نمی‌دانم منکران (منکران بطون قرآن) با این آیه‌ها چه می‌کنند: «و تفضیلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» (انعام، ۱۵۴)، و «مَافَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام، ۳۸). به خدا سوگند در شگفتی. چه سان برای دیوان مبتنی (شاعر معروف عرب) معانی فراوانی احتمال می‌دهند؛ ولی برای کلام وحیانی الهی که بر واپسین پیامبر نازل شده است، معانی نهفته در ورای الفاظ و کلمات را باور ندارند؟» (آلوسی، ج ۱، ص ۸).

ظهر و بطن در نگاه روایات

مسأله ظهر و بطن قرآن در روایات بسیاری از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت (علیهم‌السلام) به چشم می‌خورد که آن‌چه در ذیل می‌آید، فقط بخش اندکی از آن‌ها است.

۱. پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

... وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ، فَظَاهِرُهُ حَكْمٌ وَبَاطِنُهُ عِلْمٌ، ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، ... (کلینی، ج ۴، ۳۹۸ و ۳۹۹).
برای قرآن ظاهری و باطنی است. ظاهرش حکم، و باطنش دانش است. ظاهرش زیبا و باطنش ژرف است.

إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًَا وَلِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ (فیض کاشانی، ۱۳۷۴ قمری، ج ۱، شیعه ۴). برای قرآن ظاهری و باطنی است، و برای باطن آن باطن دیگری تا هفت بطن.

۳. امام علی عَلِيٌّ:

... وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تُفْنِي عَجَائِبُهُ وَلَا تُنْقِضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تَكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ (صحی صالح، خطبه ۱۸)؛

قرآن، ظاهرش زیبا، و باطنش ژرف است. شگفتی‌هایش تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها، جز با قرآن برطرف نشود.

۴. فضیل بن یسار از امام باقر عَلِيٌّ:

قال: سألت أبا جعفر عَلِيًّا عن هذه الرواية «ما من القرآن آية إلا وهما ظهرٌ وبطنٌ»، فقال: ظهره تنزيله، وبطنه تأويله، منه ما قدمضى ومنه ما لم يكن، يجرى كما يجرى الشمس والقمر ... (مجلسی، ۱۴۰۳ قمری، ج ۸۹، ص ۹۷).

فضیل بن یسار گفت: از امام باقر عَلِيًّا درباره این روایت پرسیدم: «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست، مگر آن‌که ظاهر و باطنی دارد». امام در پاسخ فرمود: ظاهر قرآن همان نزول آن، و باطن قرآن، تأویل آن است. برخی از قرآن تحقق یافته و برخی هنوز تحقق نیافته است. قرآن همانند خورشید و ماه در حال جریان و پرتو افشانی است.

۵. فریابی از سفیان و او از یونس بن عبید و او از حسن:

قال: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِكُلِّ آيَةٍ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ وَلكلِّ حَرْفٍ حَدٌّ وَلكلِّ حِدٍ مَطْلَعٌ» (سیوطی، ج ۲، ص ۲۳۶).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: برای هر آیه [از آیات قرآن] ظاهر و باطنی است و برای هر حرفی از آن حدی، و برای هر حدی هم مطلعی است.

۶. ابن ابی حاتم از ضحاک و او از ابن عباس:

قال إن القرآن ذو شجون و فون و ظهور و بطن، لا تنقض عجائبه ولا تبلغ غايته... (الوسی، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۷).

قرآن، دارای پیچیدگی‌ها، روش‌ها، ظواهرها و بطن‌هایی است. شکفتنی‌هایش پایان نمی‌پذیرد و انتهایش به دست نیاید.

۷. ابن مسعود قال:

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أنزل القرآن على سبعة أحرفٍ لكل آيةٍ منه ظهرو و بطن (زرکشی، ۱۴۲۱ ق / ۱۹۷۵ م، ج ۲، ص ۱۷۰).

قرآن بر هفت حرف نازل شده است که هر آیه‌ای از آن، ظاهر و باطنی دارد.

افزون بر روایات پیشین، روایات بسیار دیگری نیز بر همین مضمون دلالت دارند که به منظور پرهیز از اطالة کلام، از ذکر آن‌ها خود داری شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹، ص ۷۸).

مروری بر اعتبار و محتوای روایات

از مطالعه روایاتی که درباره «ظهر» و «بطن» قرآن سخن گفته‌اند، نتایج ذیل به دست می‌آید:
 ا. فراوانی این روایات در منابع روایی و تفسیری به گونه‌ای است که هیچ تردیدی در زمینه اعتبار آن‌ها باقی نمی‌ماند. همین فراوانی سبب شده است تا برخی از اندیشه‌وران، این روایات را متواتر (خوبی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۱۴) و برخی نیز مستفیض (عاملی اصفهانی، ۱۳۰۳ ق، ص ۳) بدانند. اندیشه‌وران بزرگی چون محمد بن حسن طوسی در تبیان، محمد بن یعقوب کلینی در کافی، جلال الدین سیوطی در «الاتقان»، بدرالدین زرکشی در برهان، علامه طباطبایی در المیزان و ده‌ها تن از دیگر بزرگان نیز این روایات را به صورت روایات معتبر به دیده قبول تلقی کرده و به شرح و تحلیل مضمون آن‌ها پرداخته‌اند.

ب. التزام به روایات «ظهر» و «بطن» و اعتقاد به این حقیقت سهمگین درباره قرآن، به دانشمندان شیعه اختصاص ندارد؛ بلکه اندیشه‌وران اهل سنت نیز همانند متفکران شیعه بر این روایات صحه گذاشته و التزام به مفاد آن را به گونه‌ای آشکار اعلام کرده‌اند. (در مباحث آینده دیدگاه متفکران خواهد آمد)؛ گرچه در تفسیر یا تعیین مصادیق ظهر و بطن ممکن است اختلاف دیدگاه‌هایی وجود داشته باشد؛ همان‌گونه که چنین اختلافی ممکن است میان دانشمندان مذهب هم دیده شود.

ج. برخی از روایات این باب، فقط بر اشمال قرآن بر «ظهر» و «بطن» تأکید می‌ورزند. برخی

دیگر با مسلم انگاشتن ظهر و بطن برای قرآن، به تعریف آن‌ها پرداخته، و برخی نیز اوصیای پیامبر ﷺ را واجد همه علوم قرآن (ظاهر و باطن) دانسته‌اند؛ چنان‌که جمعی از روایات این باب، با تعبیرهایی نظیر «ولبطنه بطن» و یا «اللبطن بطن» و یا «بطون» و یا «الی سبعة بطن» بر تعدد بطن‌های قرآن تأکید کرده‌اند.

د. گروهی از روایات این باب فقط از اشتغال قرآن بر «بطن» یا «بطون» سخن گفته‌اند؛ اما برخی دیگر، از اشتغال هر آیه‌ای از قرآن (لکل آیه) بر بطن یا بطون سخن گفته‌اند. از آن جهت که قرآن همان آیات، و آیات نیز همان قرآن است، جمع میان روایات این است که همه آیات قرآن را دارای «بطن» یا «بطون» بدانیم.

ظهر و بطن در گستره نگاه اندیشه‌وران

مطالعه در آثار اندیشه‌وران اسلامی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که تعدد لایه‌های معنایی آیات قرآن که از آن به ظهر و بطن تعبیر می‌شود، همواره مورد توجه جدی آنان قرار داشته است. ربط محکم این مسأله با باور به خلود و ابدیت قرآن که از باورهای بنیادی و مورد اتفاق همه مسلمانان است، سبب شده که عالمان حوزه تفسیر و علوم قرآن در آثار خود، هر یک به گونه‌ای به طرح آن بپردازند. انعکاس این موضوع در آثار پیشینیان و معاصران چندان گسترده است که بازخوانی کامل آن در این مقال نمی‌گنجد؛ از این‌رو گزارش کوتاه آن در ذیل می‌آید و خواننده گرامی می‌تواند جهت آگاهی از تفصیل مطلب به منابع مورد اشاره مراجعه کند.

سهل بن عبدالله بن یونس تستری (متوفای ۲۸۳ ق) درباره لایه‌های معنایی قرآن (بطون) می‌گوید:

لواعطی العبد بكلّ حرفٍ من القرآن الفَ فَهْمٌ، لمَّ یَبْلُغْ نَهايةَ ما أودَعَهُ اللهُ فی آیهٍ من کتابِهِ، لِأنَّهُ کلامُ اللهِ و کلامه صفته! (زرکشی، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م، ج ۱، ص ۲۹ و ۳۰).

ابن سبع در کتاب شفاء الصدور می‌نویسد:

وقد قال بعض العلماء: لکلّ آیهٍ ستون الفَ فَهْمٌ، و ما یبقی من فَهْمِها اکثر و قال آخر: القرآن یحوی سبعة و سبعین ألفَ علمٍ و مائتی علم؛ إذ لکلّ کلمةٍ علمٌ ثم یتضاعف ذلک اربعة، إذ لکلّ حکمةٍ ظاهرٌ و باطنٌ و حدٌّ و مَطَّلَعٌ (زرکشی، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م، ج ۲، ص ۱۷۰).

سعدالدین تفتازانی (متوفای ۷۹۱ ق) اعتقاد به بطون قرآن را افزون بر ظاهر آن، کمال ایمان و محض عرفان دانسته و بر بطلان دیدگاه باطنیه که به انکار ظاهر آیات و نفی شریعت پرداخته‌اند، تأکید کرده است (سیوطی، ج ۲، ص ۲۳۶).

ابن رشد اندلسی (متوفای ۵۹۵ ق)، بطون قرآن را حقیقتی می‌داند که وجود آن در ورای ظواهر

آیات هرگز قابل انکار نیست. وی در بیان فلسفه بطن بر این نکته تأکید می‌ورزد که اگر ورای ظواهر آیات قرآن، بطونی نهفته نبود، بسیاری از معانی لازم و مورد نظر خداوند ناگفته می‌ماند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲).

زرکشی (متوفای ۷۹۴ ق) درباره ظاهر و باطن قرآن می‌گوید:

کتاب الله بجره عمیق و فهمه دقیق، لأیصل إلى فهمه إلا من تبحر في العلوم، و عامل الله يتقواه في السر و العلانية، وأجله عند مواقف الشبهات... ولکل وصف ظاهر و باطن، و حد و مطلع... و فی صحیح ابن جبان عن ابن مسعود قال، قال رسول الله ﷺ: أنزل القرآن على سبعة أحراف لکل آیه منه ظهر و بطن (زرکشی، ج ۲، ص ۱۷۰).

سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق) در کتاب پیرای خود، فصلی را به موضوع ظاهر و باطن قرآن اختصاص داده و در آن، به نقل دیدگاه عالمان پیشین و همچنین روایات این باب پرداخته است. وی آن‌گاه شش وجه را در معنای ظاهر و باطن بیان می‌کند و خود به معنای ششم (ظاهر = تلاوت / باطن = فهم) میل می‌کند. (سیوطی، ج ۲، ص ۲۳۶).

زرقانی نیز بر وجود ظاهر و باطن قرآن صحه می‌گذارد و عبور از ظاهر و نیل به بطن را در گرو رعایت شروطی چند می‌داند (زرقانی، ج ۲، ص ۹۱).

ذهبی اگر چه در چیستی بطن قرآن، دیدگاهی خلاف دیدگاه امامیه دارد، در اصل مدعا، یعنی اشتغال ظواهر آیات بر بطن، با اندیشه‌وران دیگر اتفاق نظر دارد. سخن وی در این باره از این قرار است:

امامیه (شیعیان) بر این باورند که برای قرآن، ظاهر و باطن است و این، حقیقتی است که ما نیز آنان را در آن همراهی کرده، هیچ تعارضی با آنان در این حقیقت نداریم پس از آن‌که احادیث صحیحی این مطلب را در تفسیر تأیید کرده‌اند... (ذهبی، ۱۳۹۶ ق / ۱۹۷۶ م، ج ۲، ص ۲۸).

ابوالحسن عاملی، ژرفای قرآن (بطن) را از واضح‌ترین و مشهورترین مسائل دانسته است که روایات مستفیضه بر آن دلالت آشکار دارند (عاملی اصفهانی، ۱۳۰۳ ق، ص ۳).

فیض کاشانی، در آغاز تفسیر خود، بحث گسترده‌ای را به بیان و شرح ظاهر و باطن قرآن اختصاص داده است. وی اعتقاد دارد: سخنی که همه انسان‌ها مخاطب آن هستند، باید به گونه‌ای باشد که عموم انسان‌ها به استفاده از آن قادر باشند و این مستلزم آن است که چنین سخنی افزون بر ظاهر، حاوی اسرار و حقایق پنهانی باشد تا هر کس را از آن حظ و بهره‌ای به قدر عقول و درجات علمی و توان خود عاید شود (فیض کاشانی، ۱۳۷۴ ق، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۰).

صدرالدین شیرازی (صدرالمتألهین) نیز قرآن را دارای درجات و مراتب متعددی می‌داند که

برخی به منزله پوست، و برخی به منزله روح است. برخی از این مراتب با علوم اکتسابی قابل تحصیل هستند و برخی فقط از طریق علوم لدنی (خدادادی) قابل وصولند (شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۴۱).

علامه طباطبایی، در تفسیر گرانسنگ المیزان (ج ۳، ص ۷۲ - ۷۴) و همچنین در کتاب قرآن در اسلام، مباحث گسترده‌ای را به این موضوع اختصاص داده، در بخشی از آن می‌گوید:

ظهور یک معنای ساده ابتدایی از آیه، و ظهور معنای وسیع‌تری به دنبال آن، و همچنین ظهور و پیدایش معنایی در زیر معنایی در سرتاسر قرآن مجید جاری است و با تدبیر در این معانی، معنای حدیث معروف که از پیغمبر ﷺ مأثور و در کتب حدیث و تفسیر نقل شده است: «ان للقرآن ظهرا و بطنا و لبطنه بطننا الی سبعة ابطن» روشن می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۲۸).

آیت‌الله حسین بروجردی، قرآن را دارای معانی مختلف و مراتب گوناگونی می‌داند که به حسب اختلاف مراتب علمی و درجات معرفتی انسان‌ها، این معانی از آیات به دست می‌آیند (بروجردی، ۱۳۷۵ ق، ص ۵۶).

امام خمینی رحمته الله علیه بر «ظاهر» و «باطن» قرآن تأکید می‌ورزد و بسنده کردن به ظاهر و بازماندن از مغز و ژرفای آن را مرگ و نابودی آدمی می‌داند. وی بر این باور است که همه نادانی‌ها و انکار نبوت‌ها و ولایت‌ها، در عدم درک و راه نیافتن به ژرفای قرآن ریشه دارد (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۳۸ و ۵۹ و همچنین ۱۳۷۸، ص ۱۳۶).

مطالب پیش‌گفته فقط بخش کوچکی است از آنچه بر قلم اندیشه‌وران قرآنی درباره «ظاهر» و «باطن» قرآن جریان یافته. دانشمندان و قرآن پژوهان ذیل نیز هر یک به گونه‌ای برای مهم تأکید ورزیده‌اند:

محمد بن مسعود عیاشی (عیاشی، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م، ج ۱، ص ۲۲ و ۲۳)، جلال الدین مولوی (مولوی، ۱۳۷۹، ج ۳، ۴۲۹۱)، علامه محمد باقر مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ج ۸۹، ص ۷۸). آقا ضیاء‌الدین عراقی (عراقی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷)، آخوند خراسانی (خراسانی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۷)، آیت‌الله خویی (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۱۴)، میرزا محمد مشهدی (مشهدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۲)، علامه محمد تقی جعفری (جعفری، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۶۶ تا ۲۶۹)، استاد مرتضی مطهری (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۵۱)، استاد جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۹)، آیت‌الله طالقانی (طالقانی، پرتویی از قرآن، ج ۱، ص ۲۰)، استاد جعفر سبحانی (سبحانی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳)، سلطان محمد جنابذی (جنابذی، ج ۱، ص ۱۳)، جمال‌الدین قاسمی (قاسمی، ۱۳۹۸ ق)، محمد بن عبدالرحمن نهاوندی (نهاوندی، ج ۱، ص ۲۸)، محمد علی بازوری

(بازوری، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸)، و دکتر محمد صادقی (صادقی، ج ۱، ص ۵۱).

ثبات الفاظ و تعدد معانی، چرا و چگونه

طرح مسأله «ظهر» و «بطن» قرآن، پرسش‌های متعددی را پیش روی اندیشه‌ور قرآنی قرار می‌دهد که یافتن پاسخ مناسب برای آن‌ها سخت لازم و ضرور است. پرسش‌های نخست در این باب، از چرایی و چگونگی ظهر و بطن سخن به میان می‌آورند؛ بدین‌گونه که ۱. چرا قرآن کریم همه مقاصد خود را در قالب صریح الفاظ بیان نکرده است تا راه دستیابی به آن مقاصد، هموار و پیامدهای سوء احتمالی آن نیز منتفی شود؟ ۲. چگونه ممکن است جمله‌های ثابت، حامل معانی متعددی باشند؟ پاسخ به پرسش اول: لحاظ همزمان دو اصل اساسی ابدیت قرآن در بستر متحول زمان، و لزوم رعایت اقتضای فهم مخاطبان وحی در همه عصرها، پاسخ پرسش نخست را در اختیار می‌گذارد. کنار هم قرارگرفتن این دو اصل به‌طور طبیعی، سبب تولد لایه‌های تودرتو و بطون متعدد در کلام و حیانی می‌شود. اصل ابدیت قرآن، مستلزم آن است که همه معارف مورد نیاز عصرها و نسلها که از قلمرو حس و عقل بشر خارج است، به صورت یکجا از منبع وحی برآدمیان عرضه شود. از سوی دیگر، رعایت اقتضای حال و فهم مخاطبان مستلزم آن است که وحی آسمانی برای آنان قابل درک و شناخت باشد.

رعایت این دو ویژگی سبب می‌شود تا سخن خداوند به‌گونه‌ای خاص و با ژرفا و بطونی متعدد شکل گیرد تا افزون بر غنای مورد نیاز همه عصرها و نسل‌ها، متناسب با فهم مخاطبان هر عصر نیز باشد. بطون و لایه‌های نهفته در ورای الفاظ قرآن، از یکسو سبب غنای بی نظیر کلام الاهی و از سوی دیگر، سبب بلاغت و مطابق با مقتضای حال بودن آیات قرآن شده است. بسیار روشن است که اگر همه مقاصد در قالب صریح الفاظ بیان می‌شد، ویژگی بلاغت و مطابقت با مقتضای حال آیات قرآن از بین می‌رفت و آیات، با شبهه لغویی و عدم تناسب با نیاز زمان روبه‌رو می‌شد. علامه طباطبایی رحمته‌الله که نسبت به این پرسش و اهمیت آن دقت ویژه‌ای مبذول داشته، پاسخ دیگری برای آن آورده است. پاسخ دقیق علامه به این سؤال بر محور چیستی وحی (اتصال میان جهان ماده و معنا) و تنگناهای موجود در این سوی اتصال (جهان ماده) که به‌طور طبیعی سبب شکل‌گیری کلامی تودرتو و ژرفناک می‌شود، شکل گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۲۸ و ۳۲).

پاسخ به پرسش دوم: پرسش از چگونگی امکان قرارگرفتن معانی متعدد در ورای الفاظ ثابت، ناشی از سه محدودیت ذیل است که استعمال الفاظ و جملات را در پیش از معنای واحد با مشکل روبه‌رو می‌سازند:

۱. محدودیت در ناحیه ذهن و اراده گوینده:

۲. محدودیت در ناحیه ذهن مخاطب:

۳. محدودیت در ناحیه زبان محاوره.

وقتی گوینده به منظور انتقال پیام مشخصی به شنونده، لفظ یا جمله‌ای را به کار می‌گیرد، در ذہر و ضمیر خود، همان پیام را حاضر و لفظ را با همه ظرفیت ذاتی اش مطابق با همان پیام (و فانی در همان مقصود) بر زبان جاری می‌کند.

در چنین وضعی متکلم قادر نخواهد بود به طور همزمان، پیام دیگری را نیز که مستلزم تکرار چنین فرایندی در ذهن و زبان او است، منتقل کند. (مظفر، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۴ م، ج ۱، ص ۳۳). در ذهن و ضمیر شنونده نیز همزمان با گوینده، چنین فرایندی رخ می‌نماید و او نیز قادر نخواهد بود در همان زمان، پیام دیگری را که مستلزم تکرار چنین فرایندی است، از سخن گوینده دریافت کند. همین دو محدودیت سبب می‌شوند که زبان محاوره هم با محدودیت انتقال بیش از یک پیام در آن واحد روبه‌رو شود. محدودیت‌های پیشین و مشکلی که از آن‌ها ناشی می‌شود، حتی اگر در محاورات عرفی مورد قبول قرار گیرند، در مبحث «بطون» قرآن هرگز نمی‌توانند مانع و مشکل‌ساز به شمار آیند؛ زیرا ۱. محدودیت در ناحیه ذهن و اراده متکلم در مسأله بطون از آن جهت منتفی است که گوینده قرآن، خداوند است که در علم و اراده بی‌پایان او هیچ محدودیتی قابل تصور نیست. قرآن، خود درباره نازل‌کننده آن با صراحت می‌گوید:

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (فرقان، ۶).

ای پیامبر! [در پاسخ کافران بگو: قرآن را کسی که اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند، نازل کرده است.

استاد دانشمند، آقای جوادی آملی در این خصوص می‌گوید:

قسمت مهم آن‌چه در آن مبحث (ممنوعیت استعمال لفظ در بیش‌تر از یک معنا)، بر فرض تمامیت آن، مطرح شده به محدودیت علم و اراده متکلم برمی‌گردد، نه مخاطب؛ پس اگر متکلم و مرید، خداوند سبحان بود که هیچ محدودیتی از جهت علم یا اراده ندارد، محذوری در اراده کردن چند مطلب از یک آیه و چند معنا از یک لفظ وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۹ و ۱۳۰).

محبی‌الدین عربی که در تفسیر خود بر موضوع بطون قرآن تأکید کرده، این ویژگی را به کلام خداوند منحصر دانسته است و دلیل آن را علم و آگاهی نامحدود خداوند بر معانی و وجوه گوناگونی که در ورای یک لفظ می‌تواند قرارگیرد، می‌داند:

این ویژگی، جز در کلام الاهی یافت نمی‌شود؛ گرچه لفظ، تاب و تحمل وجوه و معانی گوناگون را داشته باشد؛ زیرا چه بسا آن وجوه، مقصود گوینده نباشد؛ چرا که دانش دیگران، به وجوه و احتمالات

معنای لفظ محدود است و به کاربردهای گوناگون آن اشراف و آگاهی ندارند (محمود غراب، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۲).

۲. محدودیت در ناحیه ذهن مخاطب نیز در مسأله بطون بدان سبب منتفی است که مخاطب اولی و اصیل قرآن، شخص پیامبر ﷺ است که سعه وجودی و کمال خدادادی او، زمینه تحمل بار سنگین وحی را در روح و ضمیر بزرگش هموار ساخته است. استاد جوادی آملی در این باره نیز می‌گوید:

اگر محدودیت مزبور به لحاظ مخاطب باشد، مخاطب اصیل قرآن، انسان کامل، یعنی رسول اکرم ﷺ است که ظرفیت وجودی حضرت برای ادراک معانی متعدّد در دفعه واحد محذوری ندارد؛ یعنی اگر مخاطبان دیگر صلاحیت تلقی چند معنا را از لفظ واحد ندارند، حضرت رسول اکرم ﷺ چنین صلاحیتی را دارا است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۳۰).

۳. محدودیت از ناحیه زبان محاوره نیز در مسأله بطون قرآن به کلی منتفی است؛ زیرا تمام سخن در ممنوعیت استعمال لفظ در بیش‌تر از یک معنا، مربوطه به آن جا است که گوینده بخواهد از لفظ واحد، معانی متعدّد را به‌طور همزمان و در عرض هم اراده کند؛ در حالی که در مبحث بطون، همه سخن در خصوص اراده معانی متعدّد در طول همدیگر است. علامه طباطبایی در این باره سخن دقیقی دارند که بدین قرار است:

ان للقرآن مراتب مختلفة من المعنى، مترتبة طولاً من غير ان تكون الجميع في عرض واحد فيلزم استعمال اللفظ في اكثر من معنى واحد، او مثل عموم المجاز و لاهی من قبيل اللوازم المتعددة للزوم واحد، بل هي معان مطابقيه يدل على كل واحد منها لفظ بالمطابقة بحسب مراتب الافهام (طباطبایی، ج ۳، ص ۶۴).

قرآن، معانی گوناگونی دارد که در طول همدیگرند، نه در عرض هم تا سبب استعمال لفظ در بیش از یک معنا یا شبیه عموم مجاز شود؛ چنان‌که آن معانی از لوازم متعدّد برای ملزوم واحد هم نیستند؛ بلکه معانی مطابقی‌اند که لفظ بر هر یک از آن‌ها به حسب مراتب فهم آدمیان دلالت مطابقی دارد. حاجت به برهان نیست که اراده معانی متعدّد طولی از استعمال واحد، هیچ محدودیت و منعی در زبان محاوره نخواهد داشت. می‌توان مشکل محدودیت از ناحیه زبان محاوره را به‌گونه‌ای دیگر نیز برطرف ساخت و آن اراده «معنای جامع» در ازای استعمال لفظ است. در این صورت، ضمن آن‌که با مشکل استعمال لفظ در بیش از یک معنا مواجه نخواهیم بود، معانی متعدّد را نیز در ورای لفظ واحد و معنای جامع آن منظور ساخته‌ایم.

برخی از اندیشه‌وران به‌گونه‌ای دیگر به حل مشکل پیشین پرداخته‌اند. ایشان بر این باورند که الفاظ قرآن به‌طور مطابقی در معنای واحد و معینی به‌کار رفته‌اند؛ اما بطون و معانی متعدّدی که از

آیات قرآن به دست می‌آیند، در حقیقت از لوازم همان معنای معین به شمار می‌آیند. طبق این دیدگاه، الفاظ قرآن در بیش از یک معنا استعمال نشده‌اند (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۱۳ تا ۲۱۶ و همچنین: معرفت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹).

ضوابط دستیابی صحیح به بطون قرآن

همان‌گونه که فهم صحیح ظواهر قرآن، منوط به رعایت ضوابط و قواعدی است که فهم صحیح را از فهم سقیم متمایز می‌سازد، راهیابی به معارف نهفته در بطون قرآن نیز در پی رعایت ضوابطی چند ممکن می‌شود.

از آن جهت که طرح مسأله‌ی ظهر و بطن، به‌طور طبیعی زمینه‌ی مناسبی را برای تفسیر به رأی آیات و تحمیل دیدگاه‌های نادرست بر قرآن فراهم می‌سازد، اندیشه‌ورانی که در این عرصه به اظهارنظر پرداخته‌اند، کوشیده‌اند در کنار آن دیدگاه، بر ضوابط و قواعدی که راهیابی درست به لایه‌های پنهان آیات را ممکن می‌سازند نیز تصریح و تأکید ورزند. با توجه به اهمیت ضوابط مذکور، در این بخش به اختصار به بیان آن‌ها پرداخته‌ایم:

۱. رعایت تناسب معنای پنهان با معنای ظاهری آیات: نخستین ضابطه‌ای که در راهیابی به بطون قرآن باید رعایت شود، این است که لایه یا لایه‌های متعددی که از ورای الفاظ آیات استخراج می‌شوند، با لایه آشکار آیات (ظهر) در تضاد و تنافی نباشند (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹). طبق این ضابطه، معنای آشکار هر آیه، همواره شاخص معتبری به شمار می‌آید که عیار اعتبار معارف پنهانی که به تناسب نیاز عصرها و نسل‌ها از همان آیه استخراج می‌شود، با آن شاخص محک می‌خورد؛ از این رو ژرفا و بطون قرآن هرگز مجوز آن نمی‌شود که از معنای آشکار و ظاهر آیه که به‌طور قطع مورد اراده خداوند است، دست برداشته، خود را از ظاهر شریعت معاف بدانیم.

شاطبی برای صحت انتساب معنای پنهان به قرآن کریم، نخستین شرط را تناسب معنای پنهان با ظاهر آیه و مطابقت با قواعد عربی می‌داند. دلیل وی بر شرط مذکور، عربی بودن زبان قرآن است؛ به همین سبب اگر معنای مورد ادعا به هیچ وجه با ظاهر عربی آیه تناسب نداشته باشد، هیچ دلیلی انتساب آن را به قرآن و خداوند تجویز کند. شاطبی پیرو همین ضابطه، بسیاری از تفاسیر باطنیه و صوفیه را ناروا و غیر مجاز می‌داند (قاسمی، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ج ۱، ص ۶۷).

صدرالدین شیرازی (صدرالمتألهین) نیز بر رعایت این ضابطه در دستیابی به بطون قرآن تأکید می‌ورزد (شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۸۲).

۲. تجزیه و تحلیل عناصر موجود در آیه و یافتن محور اصلی پیام: دومین ضابطه برای رسیدن به

معارف ژرف و پنهان آیات، این است که همه عناصر دخیل در شکل‌گیری پیام آیه با دقت شناسایی و میزان دخالت هر کدام از آن‌ها در پیام، با استفاده از آگاهی‌ها، شواهد، آیات دیگر، روایات معتبر یا حکم قطعی عقل بررسی شود. این تلاش علمی «که در منطق از آن به عنوان قانون «سبر و تقسیم» و در اصول با عنوان «تنقیح مناط» تعبیر می‌شود» (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲)، سبب می‌شود تا محور اصلی آیه مشخص، و حقیقت و مغز پیام از لایه نمایان آن متمایز شود. پیام و محور اصلی آیه که به گونه‌ای جاودانه بر فراز عصرها و نسل‌ها سیر می‌کند، شاخص صحت و سقم معانی دیگری است که به تناسب زمان‌ها و مکان‌ها از آیات استخراج و بر مصادیق جزئی تطبیق می‌شوند (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۲۹۰ و ۲۹۱).

۳. سازگاری با روح و مجموعه پیام‌های قرآن: افزون بر آن‌که اعتبار معانی پنهان هر آیه، در گرو تناسب و عدم تنافی با ظاهر همان آیه است، لازم است آن معانی با روح حاکم بر قرآن (هدایت به سوی خدا همراه با ایمان صالح، اخلاق حسنه و رفتار مشروع) و همچنین مجموعه پیام‌های آشکار و پنهان در آیات دیگر نیز هماهنگی و سازگاری داشته باشند. اعتبار این ضابطه از آن جهت است که مجموعه آیات قرآن، ساختمان به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند، (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱) که افزون بر جریان از مبدأ واحد، مقصد واحدی را دنبال و با دلالت‌های آشکار و نهان خود، حقایق و معارف بلندی را بر عموم مخاطبان وحی عرضه می‌کنند.

روح حاکم بر مجموعه پیام‌های قرآن، چنان هماهنگ و همسان است که هرگونه تعارض و ناسازگاری را از میان برمی‌دارد. معارف برآمده از ظاهر و باطن قرآن، مراتب و مدارج حقیقت واحدی هستند که امکان هرگونه ناهماهنگی میان آن مراتب، به کلی منتفی است.

مطالب قرآن مفسر یک‌دیگر است. از جهت باطن نیز همه معارف قرآن در همه مراحل باطنی آن، همسوی یک‌دیگر بوده، مفسر یک‌دیگر است و هرگز اختلافی بین باطن‌ها و مراحل درونی قرآن وجود ندارد؛ زیرا مراحل درونی آن، مانند مظاهر بیرونی آن کلام خدا است و اگر از نزد غیر خدا تنزل می‌یافت، حتماً با هم مختلف بود؛ بنابراین، سراسر مطالب قرآن از همه جهت هماهنگ است؛ یعنی هم ظاهرها با هم، هم باطن‌ها با هم، هم پیوند هر ظاهر با باطن برتر از خود، همچنان محفوظ است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۸).

تأکید علامه طباطبایی بر اعتبار و جامعیت روش تفسیری قرآن به قرآن نیز به نوعی تأکید بر این قاعده مهم به شمار می‌آید (طباطبایی، ج ۱، ص ۱۱).

۴. فهم ظاهر قرآن، مقدمه راهیابی به بطن قرآن: ظاهر آیات قرآن که در قالب «لسان عربی مبین» در اختیار آدمیان قرار گرفته، نخستین نقطه اتصال میان انسان و معارف وحی شده از ناحیه خداوند

است. در صورتی که اتصال انسان با وحی آسمانی در این نقطه تحقق یابد، زمینه راهیابی به مراحل ژرف تر وحی برای وی فراهم می شود.

سیوطی در بیان این ضابطه، به نقل سخن برخی از اندیشه‌وران پرداخته و چنین آورده است:
 ولا يجوز التهاون في حفظ التفسير الظاهر، بل لابد منه أولاً، ان لا يطمع في الوصول الى الباطن قبل احكام
 الظاهر. ومن ادعى فهم اسرار القرآن ولم يحكم التفسير الظاهر فهو كمن ادعى البلوغ الى صدر البيت قبل
 ان يجاوز الباب (سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۱۷۱).

زرکشی نیز فهم ظاهر قرآن را مقدمه و کلید راهیابی به اسرار قرآن دانسته و بر فراگیری تفسیر
 ظاهر تأکید کرده است (زرکشی، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م، ج ۲، ص ۱۷۱). برخی دیگر از مفسران نیز بر
 اهمیت ضابطه در دستیابی به معانی پنهان قرآن تأکید کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، ج ۱،
 ص ۷).

۵. وجود شواهد و قراین معتبر: برای اطمینان از صحت انتساب معانی پنهانی به دست آمده از
 آیات به خداوند بزرگ، لازم است شاهد یا قرینه معتبری اعم از لفظی یا معنوی بر صحت معنای
 مورد ادعا اقامه شود تا انتساب آن معنا به خداوند همراه با حجت و دلیل باشد. گرچه ممکن است با
 ذکر ضابطه اول (تناسب معنای پنهان با ظاهر آیه) از ذکر مستقل این ضابطه بی نیاز باشیم، اهمیت
 مسأله بطون سبب شده است تا برخی از دانشمندان بر این ضابطه به‌طور جداگانه تأکید ورزند.
 شاطبی شرط دوم صحت انتساب معنای باطنی به قرآن را وجود شواهد و قراین تأیید کننده‌ای
 از این دست می‌داند و بر لزوم آن این‌گونه دلیل می‌آورد:

فلا نه ان لم یکن له شاهد فی محل آخر، او کان له معارض صار من جملة الدعای الّتی تُدعی علی القرآن،
 والدعوی المجرده غیر مقبولة باتفاق العلماء (قاسمی، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ج ۱، ص ۶۷).

زرقانی نیز شرط سوم اعتبار تفسیر اشاری را تأیید آن به وسیله شواهد شرعی و قراین معتبر
 خارجی دانسته است (زرقانی، ج ۲، ص ۹۱).

توجه دقیق به ضوابط پنجگانه پیشین و به کارگیری آن‌ها در فهم و تفسیر قرآن کریم سبب می‌شود
 تا اولاً درک و شناخت لایه‌های ناآشکار آیات، روشمند، و هرگونه نابسامانی و هرج و مرج احتمالی
 در این عرصه منتفی شود و ثانیاً راه بر فهم‌ها و تفسیرهای پلورالیستیک و متباین از آیات قرآن
 مسدود شود و ثالثاً: شناخت‌ها و تفسیرهایی که در گستره زمان و به تناسب نیازهای عصرها و
 نسل‌ها از آیات قرآن به دست می‌آید (برفرض روشمند بودن)، همواره متکامل و در طول همدیگر
 قرار گیرند.

با دقت در آنچه به اختصار گذشت، بر این نکته ظریف واقف می‌شویم که ابدیت و اعتبار

جاودانه کتاب آسمانی قرآن، در پرتو ژرفای بی پایان آن (بطون) و با لحاظ ضوابطی این‌گونه، بسیار منطقی و معقول می‌نماید ضمن آن‌که دو ویژگی «ثبات» و «محدودیت» ظاهری آیات نیز همچنان پابرجا خواهند ماند. چنین خلودی را هرگز نمی‌توان برای هیچ اثر بشری سراغ گرفت؛ از این‌رو می‌توان آن را وجهی از وجوه اعجاز جاودانه قرآن کریم به شمار آورد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، صبحی صالح.
۳. آخوندخراسانی، محمدکاظم: کفایة الأصول، دوم، المكتبة العلمية الإسلامية، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۴. آلوسی، سید محمود: روح المعانی، ادارة الطباعة المنيرية، مصر [بی تا].
۵. ابن منظور: لسان العرب، دار صادر، ۱۹۹۷ م، بیروت.
۶. بازوری، محمدعلی: الغیب و الشهادة، دارالقاری، بیروت، [بی تا].
۷. بروجردی، حسن: نهیة الأصول، انتشارات ایران، قم، ۱۳۷۵ ق.
۸. جعفری، محمدتقی: ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۹. جنابذی، سلطان محمد: بیان السعادة، دانشگاه تهران، تهران، [بی تا].
۱۰. خمینی، روح‌الله: تفسیر سوره حمد، چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. خمینی، روح‌الله: شرح دعای سحر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. خویی، ابوالقاسم: محاضرات، دارالهادی للمطبوعات، سوم، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. ذهبی، محمد حسین: التفسیر والمفسرون، دارالأرقم، بیروت، [بی تا].
۱۴. ذهبی، محمد حسین: التفسیر والمفسرون، دوم، دارالکتب الحدیثه، قاهره، ۱۳۹۶ ق / ۱۹۷۶ م.
۱۵. راغب اصفهانی: مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دار القلم و دمشق و دارالشامیه بیروت، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.
۱۶. زرقانی، محمدعبدالعظیم: مناهل العرفان فی علوم القرآن، داراحیاء الکتب العربیة، مصر، [بی تا].
۱۷. زرکشی، بدرالدین: البرهان فی علوم القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
۱۸. سبحانی، جعفر: منشور جاوید قرآن، کتابخانه امیرالمؤمنین، اصفهان، ۱۳۶۰ ش.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین: الأنقان فی علوم القرآن، دارالمعرفة، بیروت، [بی تا].
۲۰. شیرازی، صدرالدین: مفاتیح الغیب، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۲۱. صادقی، محمد: الفرقان، انتشارات فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۲. طالقانی، سید محمود: پرتویی از قرآن، سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران، [بی تا].
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، بی تا.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین: قرآن در اسلام، دهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن: التبیان فی تفسیر القرآن، المطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۷۵ م.
۲۶. عاملی اصفهانی ابوالحسن: مرآة الأنوار و مشکوة الأسرار، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۳ ق.
۲۷. عراقی، ضیاء الدین: نهاية الأفكار، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۴ ش.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود: تفسیر العیاشی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ۱۹۹۱ م.
۲۹. فیض کاشانی، ملّا محسن: تفسیر الصافی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ق.
۳۰. قاسمی، احمد جمال الدین: محاسن التأویل، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب: اصول کافی، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، [بی تا].
۳۲. مجتهد شبستری، محمد: هرمونیک کتاب و سنت، طرح نو، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. محمود غراب، محمد: رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، مطبعة نفر، دمشق، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. مشهدی، میرزا محمد: کنز الدقایق و بحر الغرایب، دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. مطهری، مرتضی: آشنایی با قرآن، یازدهم، صدرا، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۳۷. مظفر، محمد رضا: اصول الفقه، دوم، دارالنعمان، نجف، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
۳۸. معرفت، محمد هادی: تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳۹. معرفت، محمد هادی: علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی التمهید و سازمان سمت، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۴۰. معرفت، محمد هادی: فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۲۱ و ۲۲، مشهد، تابستان و پاییز ۱۳۷۹ ش.
۴۱. معین، محمد: فرهنگ فارسی (متوسط)، چهارم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۴۲. مولوی، جلال الدین: مثنوی معنوی، هفتم، نشر طلوع، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۴۳. نهاوندی، محمد بن عبدالرحیم: نفحات الرحمن، مطبعه علمی، تهران، [بی تا].